

بررسی تأثیر دوره تصدی مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی حساس یگانه^۱

مهدی محمودی^۲

رسول ذبیحی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال)، میان مدت (بین سه تا چهار سال) و بلندمدت (بیش از چهار سال) مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی می پردازد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، که حداقل به مدت پنج سال متوالی مورد تصدی یک موسسه حسابرسی قرار گرفته باشند و قلمرو زمانی تحقیق سال های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۹۰^۴ است. یافته های پژوهش حاکی از این است که کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است و رابطه معناداری بین کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی میان مدت و بلندمدت وجود ندارد. نتایج تحقیق ضوابط چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی در ایران را تأیید و احتساب دوره چهارساله جهت چرخش مؤسسات حسابرسی را مطلوب ارزیابی نمی کند. این پژوهش خلاء فقدان تحقیقات دانشگاهی مبتنی بر مدل اندازه گیری در خصوص چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی در ایران را برطرف نموده و آن را از پشتوانه تئوریک برخوردار می سازد.

واژگان کلیدی: چرخش اجباری حسابرس، کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارش گری مالی، دوره تصدی حسابرس.

طبقه بندی موضوعی: G10

مقدمه

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی
۳. کارشناس ارشد حسابداری کارشناس ارشد حسابداری.
۴. با عنایت به اینکه سازمان بورس و اوراق بهادار، از سال ۱۳۹۰ مؤسسات حسابرسی به استثنای سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر را پس از ۴ سال مجاب به تغییر در سطح موسسه حسابرسی نموده است، بنابراین در نظر گرفتن دوره تصدی بلند مدت (بیش از ۴ سال) فقط تا سال ۱۳۹۰ برای مؤسسات حسابرسی معتمد بورس امکان پذیر است.

نیاز روز افزون جامعه به اطلاعات بهنگام اقتصادی و مالی توام با توسعه محیط تجاری سبب شده است تا فرآیند حسابرسی نیز همگام با این تغییرات دستخوش تحولات عظیمی شود. تاسیس شرکت‌های بزرگ برای انجام فعالیت‌های تجاری که با سرمایه‌های فردی امکان‌پذیر نبود، در اوایل قرن نوزدهم، تأثیر عمیقی بر تفکیک مالکیت از مدیریت داشت (حساس یگانه، ۱۳۸۸). تقاضا برای حسابرسی از نقش نظارتی حسابرسی در روابط بین مالک و مدیر شکل می‌گیرد. براساس نظریه مباشرت و نمایندگی روابط بین افراد متشکل از مجموعه قراردادهایی است که در آن طرفین ملزم به رعایت مفاد قرارداد می‌باشند. با دو فرض بدیهی عدم همسویی منافع بین طرفین قرارداد (مالک و مدیر) و منطق اقتصادی هر یک از طرفین قرارداد، انتظار می‌رود که مدیر در راستای بهینه کردن منافع خود مبادرت به اقداماتی کند که تضییع حقوق مالک را در بر داشته باشد (امیر اصلانی، ۱۳۸۱). برای اجتناب یا حداقل کردن چنین تضادی، مالک می‌تواند از حسابرسی صورت‌های مالی به عنوان ابزار کاهش اطلاعات نامتقارن بهره‌گیرد.

استقلال، نگرشی از ذهن است که اجازه نمی‌دهد نقطه نظرات و نتیجه‌گیری‌های حسابرسی متکی به اثرات و فشارهای ناشی از تضاد منافع افراد قرار گیرد (حساس یگانه، ۱۳۸۸). فقدان استقلال حسابرسان در بعد ظاهری و باطنی و کیفیت پایین حسابرسی از جمله عوامل مؤثر در پیدایش بحران‌های مالی و انتشار گزارش‌های مالی گمراه‌کننده است. در راستای افزایش استقلال حسابرسان و به تبع آن افزایش کیفیت حسابرسی، تلاش‌هایی از سوی دولت‌ها در جهت محدود نمودن طول دوره همکاری حسابرسان با صاحبکار صورت پذیرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به تصویب قانون ساربینز آکسلی^۱ در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. بخش ۲۰۳ این قانون، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند شرکا و مدیران خود را بعد از هر ۵ سال کار متوالی روی یک صاحبکار واحد تغییر دهند. در ایران مطابق با تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ و اصلاحیه‌های بعد از آن، مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال، مجدداً سمت حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت را بپذیرند. حامیان تغییر حسابرسان باور دارند در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بیطرفانه‌تری را اعمال نمایند. حضور طولانی مدت حسابرسان در کنار یک صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای

1. Sarbense-Oxely Act

حفظ و رعايت نقطه نظرات مديريت صاحبکار مي شود، وضعيتي که استقلال و بي طرفي را مخدوش مي سازد (رجبي، ۱۳۸۵).

در مقابل مخالفان تغيير اجباري حسابرسي معتقدند، وجود عواملی چون حفظ شهرت و اعتبار و يا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقي مي تواند منجر به حفظ استقلال حسابرسان شود. به عقیده اين گروه، حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بیشتری از کنترل های داخلی صاحبکار به دست مي آورند و در نتيجه کارايي روشهای حسابرسي به کار رفته توسط آنان افزايش خواهد يافت. به اعتقاد آنها تغيير حسابرسي باعث خواهد شد اعتماد سرمايه گذاران به اتکا صورت های مالي کاهش يافته و از اين رو اعتبار حسابرسي کاهش يابد. از سوي ديگر تغييرات مکرر حسابرسي با توجه به هزینه های حسابرسي نخستين نسبت به هزینه های حسابرسي سنوات بعد موجب افزايش هزینه های حسابرسي خواهد شد (Sinnet, 2004).

محدود شدن دوره تصدی حسابرسي شامل تغيير در سطح کادر حسابرسي در رده مديران و شرکا و تغيير در سطح مؤسسه حسابرسي است (Hamilton et al, 2005).

سازمان بورس و اوراق بهادار، مؤسسات حسابرسي به استثنای سازمان حسابرسي و مؤسسه حسابرسي مفيد راهبر را پس از ۴ سال مجاب به تغيير در سطح مؤسسه حسابرسي نموده است. بنابراين با توجه به الزام تغيير در سطح مؤسسات حسابرسي، تحقيق حاضر به بررسي اثرات تغيير مؤسسه حسابرسي بر کيفيت گزارش گري مالي در ايران مي پردازد^۱.

کشورهایی چون آمريکا و انگليس تنها به چرخش اجباري شرکای حسابرسي اکتفا کرده اند و کشورهایی نظير برزيل، کره جنوبي، هند و سنگاپور شرکت ها را ملزم به تغيير مؤسسات حسابرسي بعد از یک دوره مشخص نموده اند. در اين ميان کشورهایی چون اتریش، اسپانيا و کانادا نيز بعد از شکست در اجرای قانون تغيير اجباري مؤسسات حسابرسي، آن را کنار گذاشتند (Li, 2007).

به باور بسياری از جمله تحقيق انجام شده توسط ون جانسون و ديگران (۲۰۱۰) در مطالعات مربوط به بررسي آثار تغيير حسابرسي، اثر تغيير اجباري بر کيفيت گزارش گري مالي شرکت ها از جايگاه ويژه ای برخوردار است. کيفيت گزارش گري مالي برای استفاده کنندگان حائز اهميت است، اين کيفيت ترکيبی از کيفيت کار مديران شرکت ها در مورد نحوه شناسايی رویدادهای مالي و انعکاس

– مطابق با تبصره ۵ ماده ۱۰ دستورالعمل، مؤسساتی که حداقل دارای ۲۰ شریک بوده و هيچ يك از شرکايش از ۲۰ درصد ۱ سهم الشرکه را دارا نباشند براساس ضوابطی که سازمان بورس و اوراق بهادار تعيين مي نمايد مي توانند تيم رسيدگی کننده و شرکای مسؤل کار را تغيير دهند.

آن‌ها و همچنین کیفیت کار حسابرسان در مورد برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و رعایت استقلال آنهاست، به نحوی که برخی صورت‌های مالی حسابرسی شده را ارایه مشترک حسابرس و صاحبکار دانسته‌اند. با وجود اینکه کیفیت گزارش‌گری مالی در نهایت معیاری کیفی و یک ارزیابی ذهنی است، پژوهش حاضر در نظر دارد تحت مدلی تجربی و با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های بورسی و با در نظر داشتن شاخص‌هایی چون مدیریت سود، سلامت مالی شرکت و اهرم مالی، کیفیت گزارش‌گری مالی را اندازه‌گیری و سپس رابطه آن را با دوره تصدی مؤسسه حسابرسی آزمون نماید. هدف از تحقیق حاضر پاسخ به این پرسش است که کیفیت گزارش‌گری مالی در کدام یک از دوره‌های تصدی حسابرس بیشتر است؟

مروری بر پیشینه تحقیق

تغییر اجباری حسابرس

ورشکستگی شرکت‌هایی نظیر انرون، نگرانی‌های عمده‌ای در ارتباط با اتکالپذیری صورت‌های مالی ایجاد کرده است. درحالی‌که مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت است اما در پی این وقایع، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری تلاش دارند تا از طریق وضع قوانین مناسب، استقلال و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. در این بین می‌توان به تصویب قانون ساربینز-آکسلی در جولای ۲۰۰۲ توسط کنگره آمریکا اشاره کرد. این قانون شامل الزام یک سری محدودیت‌های جدید در زمینه خدمات غیر حسابرسی، ایجاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۱ (PCAOB) و چرخش اجباری مدیر و شرکای حسابرسی بعد از پنج سال متوالی می‌باشد (Li, 2007). البته با توجه به گزارش منتشره انجمن حسابداران آمریکا^۲ در سال ۱۹۹۲ که به هزینه بر بودن و همچنین ناکارآمد بودن تغییر حسابرس و بهبود کیفیت حسابرسی اشاره دارد، ساربینز آکسلی نیز الزامی برای تغییر مؤسسات نداشته و تنها به تغییر شریک اکتفا شده است.

1. The Public Company Accounting Oversight Board

2. The American Accounting Association

عوامل مؤثر بر تغيير حسابرسان

تشخيص عوامل مؤثر بر تغيير حسابرسان در برنامه ريزي براي تقويت استقلال حسابرسان و تدوين مقررات لازم براي شفاف سازي علل تغيير حسابرسان، نقش بسزايي دارد. به طور کلي عوامل مؤثر بر تغيير حسابرسان را مي توان به دو گروه عمده تقسيم کرد:

(۱) عوامل مرتبط با ويژگي هاي حسابرسي و حسابرسان و (۲) عوامل مرتبط با واحدهاي متقاضي حسابرسي.

بنا به اظهار دي آنجلو (De Angelo, 1981) عوامل مرتبط با تقاضاکنندگان خدمات حسابرسي به خصوصيات شرکت ها و مساله نمايندگي از قبيل اندازه شرکت، اهرم مالي و ترکيب مديران دلالت دارد. با وجود اين، انتخاب حسابرسان تحت تأثير عوامل مرتبط با ويژگي هاي مؤسسات حسابرسي به عنوان عرضه کنندگان اين خدمت از قبيل حق الزحمه حسابرسي، نوع اظهارنظر حسابرسان و در نهايت کيفيت کار حسابرسان نيز هست.

عوامل مرتبط با ويژگي هاي حسابرسي و حسابرسان

عوامل اين دسته شامل حق الزحمه حسابرسي، نوع اظهارنظر حسابرسان و کيفيت حسابرسي است که به ترتيب مورد بحث قرار مي گيرد.

حق الزحمه حسابرسي: بنا بر منطق اقتصادي و براي سطح معيني از کيفيت خدمات حسابرسي، شرکت ها به دنبال جلب همکاري حسابرساني هستند که حداقل هزينه حسابرسي را به آنها تحميل نمايند. شرکت ها سعي دارند با انتخاب استراتژي تغيير حسابرسان، هزينه حسابرسي را کاهش دهند (پالمروز ۱۹۸۴).

حق الزحمه حسابرسي: بنا بر منطق اقتصادي و براي سطح معيني از کيفيت خدمات حسابرسي، شرکت ها به دنبال جلب همکاري حسابرساني هستند که حداقل هزينه حسابرسي را به آنها تحميل نمايند. شرکت ها سعي دارند با انتخاب استراتژي تغيير حسابرسان، هزينه حسابرسي را کاهش دهند (Palmoz, 1984).

نوع اظهارنظر حسابرسان: نتايج تحقيقات نشان مي دهد بندهاي شرط گزارش حسابرسي بر روي قيمت سهام اثر منفي دارد. بنابراين احتمال اين که شرکت هايي که گزارش مشروط دريافت مي کنند حسابرسان خود را تغيير دهند، زياد است (De Angelo, 1981). شوارتز و منن (Schwartz el

al,1985) رابطه معنی داری را بین این دو متغیر نیافتند. وو و چای کو (Wo and Chow,2001) نشان دادند که اظهارنظر مشروط حسابرسان بر تغییر آنها تأثیر مستقیم دارد. کیفیت حسابرسی: شرکت‌هایی که انگیزه بیش‌تری برای متعهد نشان دادن خود و پرائت از هرگونه سوء استفاده دارند، معمولاً مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر و مشهورتر را انتخاب می‌کنند. در اینجا شهرت و بزرگی مؤسسات حسابرسی، جانشینی برای کیفیت حسابرسی است. بیتی و فینرلی (Biti el al,1995) نشان دادند که عدم رضایت از کیفیت حسابرسی یکی از دلایل اصلی تغییر حسابرسان است. وو و چای کو (Wo and Chow,2001) نیز دریافتند که کیفیت حسابرسی با تغییر حسابرسان رابطه معکوس دارد.

عوامل مرتبط با ویژگی های واحد مورد رسیدگی

عوامل این دسته شامل تغییر ترکیب مدیریت شرکت، فرصت دست‌کاری سود، اهرم مالی، اندازه شرکت، رشد شرکت و فعالیت‌های تامین مالی است که به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرد: تغییر در ترکیب مدیریت شرکت: با تغییر مدیریت شرکت این امکان وجود دارد که مدیریت جدید متمایل به استفاده از روش‌های سود افزا و به دنبال کسب همکاری حسابرسانی برای تأیید روش مذکور باشد. همچنین مدیریت جدید ممکن است به دلیل سوء ظن یا نارضایتی از مجموعه مدیریت و حسابرس قبلی، درصدد انجام حسابرسی توسط حسابرس جایگزین و انتقال مسئولیت به مدیریت و حسابرس قبلی باشد. انگیزه ساده دیگر برای مدیریت جدید در خصوص تغییر حسابرسان می‌تواند تنها به دلیل نداشتن سابقه همکاری و رابطه با حسابرس فعلی شرکت باشد (رجبی، ۱۳۸۳). کارپنتر و استراوزر (Carpenter & Strawser, 1971) و بیتی و فینرلی (Beattie & Fearnley,1995) دریافتند که تغییر در مدیریت شرکت‌ها یکی از عوامل اصلی تغییر حسابرسان است.

فرصت دست‌کاری سود: وجود فرصت‌های دست‌کاری در سود به معنی وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابرسان و زمینه ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس است. هیلی (Healy,1985) اعتقاد دارد که تعهدات کوتاه مدت به صورت بالقوه انگیزه دست‌کاری در سود را برای مدیریت ایجاد می‌کند. دوفاند (Defond, 1992) نشان داد که وجود فرصت‌های دست‌کاری در سود برای مدیریت زمینه تغییر حسابرس را به دنبال دارد و برای این کار از نسبت تعهدات کوتاه مدت به دارایی‌ها در سال قبل از تغییر حسابرس استفاده کرد و هرچه این نسبت بالاتر بود، تغییر حسابرسان نیز بیشتر اتفاق می‌افتاد.

. وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) نیز وجود یک رابطه مثبت را بین فرصت های دست کاری در سود و تغییر حسابرسان از سوی شرکت ها نشان دادند.

اهرم مالی : جنسن ومکلینگ (Jensen & Meckling, 1976) نشان دادند که مدیران ومالکان همواره فرصت انتقال ثروت را از اعتبار دهندگان به خود دارند. هرچه میزان بدهی بیشتر باشد، ثروت بالقوه قابل انتقال بیشتر است. در این شرایط استقلال حسابرسان اهمیت بیشتری پیدا می کند، زیرا مدیران شرکت ها بدین وسیله می خواهند در خصوص رعایت شرایط قرارداد استقراض به اعتبار دهندگان اطمینان بیشتری بدهند. مدیران ومالکان برای کسب اعتماد اعتبار دهندگان، اقدام به استفاده از حسابرسانی می نمایند که از همه لحاظ مورد اعتماد سرمایه گذاران بالقوه باشند. شیلدز (Shields, 1989) و دوفاند (Defond, 1992) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) ارتباط معنی دار بین اهرم مالی شرکت ها و تغییرات حسابرسان یافتند اما، پالمروز (Palmrose, 1984)، هیلی ولایز (Healy & Lys, 1985) ارتباط معنی داری را بین این دو متغیر نیافتند.

اندازه شرکت : پالمروز (Palmrose, 1984) نشان دادند که هر چه اندازه شرکت بزرگ تر می شود، تعداد قراردادهای نمایندگی شرکت (بین شرکت به عنوان کارفرما- نماینده همچون مدیران، کارکنان و اعتبار دهندگان) نیز افزایش می یابد و این امر نظارت مالکان بر مدیران و همچنین نظارت اعتبار دهندگان بر مالکان ومدیران را با دشواری بیشتری مواجه می کند و در نتیجه استقلال حسابرسان اهمیت وضورت بیشتری می یابد. بنابراین، مالکان ومدیران برای اینکه نشان دهند همکاری قبلی آنها با حسابرسان شرکت خارج از روال عادی کار حرفه ای نیست، حسابرسان قبلی شرکت را تغییر می دهند. همچنین با افزایش میزان دارایی ها نیاز به مؤسسات حسابرسی بزرگ تر و معتبر تر نیز احساس می شود و هرچه مبلغ دارایی های شرکت بالاتر باشد، احتمال تغییر حسابرسان بیشتر است. جانسون ولایز (Johnson & Lys, 1990) وهاسکینز و ویلیامز (Hasking & Williams, 1990) نشان دادند عامل اندازه شرکت بر تغییر حسابرسان اثر قابل ملاحظه ای دارد. از طرفی شوارتز ومنن (Schwartz & Menon, 1985) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که بین اندازه شرکت وتغییر حسابرسان رابطه معنی داری وجود ندارد.

رشد شرکت : یک شرکت در حال رشد ممکن است به دنبال حسابرسان جایگزین باشد که خدمات حسابرسی بهتری با هزینه کمتر ارائه نماید. همچنین به دلیل شهرت، اعتبار ویا کیفیت خدمات نیز واحدهای در حال رشد انگیزه بیشتری برای تغییر حسابرسان خود دارند. جانسون ولایز (Johnson & Lys, 1990) وهاسکینز و ویلیامز (Hasking & Williams, 1990) نشان دادند که رشد واحد مورد

رسیدگی با تغییر حسابرسان رابطه معناداری دارد. بر خلاف تحقیقات فوق، بارتن و رابرتز (Burton & Roberts, 1967) و چو و رایس (Chow & Rice, 1982) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) ارتباط معنی داری را بین رشد شرکت‌ها و تغییر حسابرس نیافتند.

فعالیت‌های تامین مالی: معمولاً شرکت‌ها در رابطه با وضعیت آتی خود اطلاعات زیادتری دارند که در دسترس سرمایه‌گذاران نیست. این عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است منجر به تقاضای بیشتری برای حسابرسی قابل اعتماد شود تا در رابطه با ارزش شرکت علائم مثبت به بازار مخابره کند و هزینه‌های نظارت را کاهش دهد. فرانسیس و ویلسون (Francis & Wilson, 1988) و جانسون و لایز (Johnson & Lys, 1990) دریافتند که عرضه عمومی سهام یا اوراق مشارکت با تقاضای خدمات حسابرسی از مؤسسات حسابرسی بزرگ و مشهور همراه بوده است.

تعریف کیفیت گزارش‌گری مالی و مفاهیم مربوط به آن

کیفیت گزارش‌گری مالی عبارت است از توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آن به سرمایه‌گذاران. یکی از معیارهایی که به عنوان شاخص تعیین‌کننده کیفیت گزارش‌گری مالی مورد بحث می‌باشد، کیفیت اقلام تعهدی است. این معیار به طور گسترده‌ای در تحقیقات (Batacarria2003، Francis 2003؛ Batacarria2007، Solano2009، Hillary2006) استفاده شده است. تحقیقات تجربی به صورت فزاینده‌ای در حال بررسی نقش کیفیت اطلاعات حسابداری، به عنوان معیاری از تقارن اطلاعاتی می‌باشند. برخی از مطالعات یادشده نشان داده‌اند که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه (Francis 2003، Batacarria2003)، مدت رسید بدهی (Batacarria2007) و سطح انباشت وجوه نقد (Solano2009) اثرگذار است. مطالعات مزبور، برای کیفیت اطلاعات حسابداری شاخص‌های متنوعی همچون شفافیت حسابداری (Batacarria2003)، ارزش اطلاعاتی سود (Baros 2009)، ویژگی‌های کیفی سود (Francis 2003؛ Hillary2006) و کیفیت اقلام تعهدی (Francis 2003) را به کار گرفته‌اند. تاکید بر کیفیت اقلام تعهدی در مطالعات پیش‌گفته ناشی از آن دسته از شواهد تجربی است که نشان می‌دهد اقلام تعهدی سبب افزایش توانایی پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی می‌گردد (Diechev, 1994; Sobramanian, 1996). به عنوان مثال از نظر اعتباردهندگان، کیفیت پایین‌تر اقلام تعهدی موجب کاهش توانایی آنان در ارزیابی و برآورد جریان‌های نقدی آتی می‌شود. در نتیجه کیفیت پایین اقلام تعهدی منجر به افزایش هزینه بدهی می‌گردد.

همان طور که بیان شد، در این تحقیق کیفیت گزارش گری مالی، توان صورت های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار آنان به سرمایه گذاران تعریف شده است. در این راستا دربند ۵-۱ بخش مفاهیم گزارش گری مالی استانداردهای حسابداری ایران اشاره شده است " اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده کنندگان صورت های مالی مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد و زمان قطعیت ایجاد آن است". این توان در نهایت، تعیین کننده ظرفیت واحد تجاری جهت انجام پرداخت هایی از قبیل پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، پرداخت به تامین کنندگان کالا و خدمات، پرداخت مخارج مالی، انجام سرمایه گذاری، بازپرداخت تسهیلات دریافتی و توزیع سود بین صاحبان سرمایه است. ارزیابی توان وجه نقد از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان های نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف پذیری مالی، تسهیل می گردد. در بیانیه شماره یک هیئت تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا نیز بیان شده است صورت های مالی باید: "...اطلاعات مفیدی را برای سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه در رابطه با اخذ تصمیمات اقتصادی، فراهم سازد... (بند ۳۴)" و "...اطلاعاتی را در مورد مبلغ، زمان بندی و ابهام در مورد جریان های نقدی آتی برای سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه فراهم نماید... (بند ۳۷)". به علاوه از جریان های نقدی به عنوان یک عنصر کلیدی در بودجه بندی سرمایه ای یاد می شود. در تحقیق حاضر، کیفیت گزارش گری مالی از طریق اندازه گیری معیارهایی چون مدیریت سود، سلامت مالی شرکت و اهرم مالی محاسبه شده است که در ادامه بررسی خواهد شد.

مدیریت سود

مدیریت سود، گزارش گری مالی جانب دارانه و همراه با سوگیری است که بر اساس آن مدیران از روی عمد و تصمیم قبلی، در فرآیند تصمیم گیری مالی مداخله می کنند (Shipper, 1989). مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران از قضاوت های شخصی خود برای گزارش گری مالی استفاده می کنند و در نتیجه در ساختار مالی تغییراتی به وجود می آورند (Haley and Valen, 1999). به عبارت دیگر مدیریت سود، انتخابی است که بر اساس سیاست های حسابداری شرکت صورت می پذیرد تا شرکت به برخی از اهداف خاص مدیریت دست یابد (Scott, 1997).

سلامت مالی شرکت

سلامت مالی شرکت در معنای عام خود به معنای توانایی واحد تجاری در ایفای تعهدات می باشد. در مقابل سلامت مالی، ورشکستگی تعریف می شود. به طور کلی شرکت ها ممکن است به یکی از سه شکل مالی، اقتصادی و حقوقی با شکست مواجه شوند. در شکست مالی، ضعف در ایفای تعهدات در زمان سررسید، وجود حالت تنگنای مالی را نشان می دهد. معمولاً نشانه تنگنای مالی، فقدان سرمایه در گردش است. فقدان سرمایه در گردش، نشانه ای است که خود ناشی از علل دیگری مانند ساختار سرمایه ای ضعیف با استقراض جاری بیش از حد، هزینه عملیاتی بالا و امثال این موارد است. معمولاً بین شکست به معنی اقتصادی و شکست مالی و اعتباری فرق گذاشته می شود. به طور کلی، شکست تجاری همان شکست اقتصادی است، زیرا مؤسسه نتوانسته است برای سرمایه گذاری انجام شده، سودی مشابه آنچه که در جای دیگر قابل دسترسی است را تحصیل کند. شکست از نظر قانون، عدم توانایی ایفای تعهدات در سررسید نیست. قوانین شکست را این طور تعریف می کنند که کل دارائیه‌ها برای پرداخت کل بدهیه‌ها کافی نباشد (مهدی رسول زاده، ۱۳۸۱).

اهرم مالی

اهرم مالی معیاری برای اندازه گیری ساختار سرمایه می باشد که چه قدر در این ساختار از بدهی استفاده شده است. شرکت هایی که در ساختار سرمایه از بدهی استفاده می نمایند شرکت های اهرمی و شرکتی که از بدهی استفاده نکنند، شرکت غیر اهرمی اطلاق می شود.

تحقیقات انجام گرفته در خصوص رابطه دوره تصدی حسابرِس و کیفیت گزارش گری مالی

جانسون و دیگران در مطالعه ای که در سال ۲۰۱۰ در خصوص تغییر اجباری حسابرِس انجام دادند این سوال را که آیا دوره زمانی همکاری بین حسابرِس و صاحبکار (دوره تصدی حسابرِس) ارتباطی با کیفیت گزارش گری مالی دارد مطرح نمودند. آنها در این تحقیق از یک مدل اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی با تکیه بر (اندازه، سن، سلامت مالی و اهرم مالی) بهره گرفتند. آنها نمونه آماری خود را تنها از شش مؤسسه حسابرسی بزرگ انتخاب نمودند. دوره تصدی حسابرِس و صاحبکار را براساس قوانین تعویض اجباری جامعه مورد مطالعه خود، به سه دوره کوتاه مدت تصدی بین دو تا سه سال، دوره میان مدت تصدی بین چهار تا هشت سال و دوره تصدی بلند مدت، نه سال و بیشتر تقسیم نمودند. بر پایه نتایج پژوهش آنها دوره تصدی کوتاه مدت حسابرِس موجب کاهش کیفیت گزارش گری مالی می شود. اما ارتباط معناداری بین کاهش کیفیت گزارش گری مالی و دوره تصدی بلند مدت حسابرِس وجود ندارد.

ميرز وپالمروس (Mills & poual Moores, 2003) به بررسی تأثير بالقوه چرخش مؤسسات حسابرسي روی کيفيت گزارش گري مالي از دیدگاه تجديد ارايه صورت هاي مالي پرداختند، مدارکي که نشانگر حمايت از اين الزام باشد پيدا نکردند. در اين رابطه به مقايسه شرکت هايي که صورت هاي مالي خود را تجديد ارايه کرده بودند و ساير شرکت ها پرداختند. آنها دريافتند احتمالاً شرکت هاي بالغ، دوره تصدی طولاني تر و تجديد ارايه کمتری دارند. آنها درنمونه اصلي رابطه معنی - داری بين دوره تصدی و احتمال تجديد ارايه مشاهده نکردند اما زمان کنترل سن شرکت، که نمونه را به چند گروه تقسيم کردند، رابطه معنی داری مشاهده شد. نتايج نشان می دهد که در نمونه اصلي، ارايه - هاي نادرست که افزايش سود را به دنبال ندارد با افزايش دوره تصدی کاهش می يابند. در حالي که ارايه هاي نادرست سودافزا، با افزايش مدت همکاري حسابر س و صاحبکار افزايش می يابند. البته در بررسی هاي بيشتر متوجه شدند نتايج مربوط به تجديد ارايه صورت هاي مالي سه ماهه می باشد. به عبارت ديگر رابطه معنی داری بين دوره تصدی حسابر س و افزايش در تجديد ارايه صورت هاي مالي سالانه وجود ندارد.

در مقابل نتايج تحقيقات استنلي (Stanley, 2007) نشان می دهد هرچه مدت رابطه حسابر س و صاحبکار طولاني تر شود، احتمال تجديد ارايه صورت هاي مالي کاهش می يابد. از طرفي نتايج تجزيه و تحليل چند متغيره آنها بيانگر اين موضوع است که تخصص و تجربه حسابر سان و همچنين حق الزحمه هاي حسابر سي رابطه معکوسي با احتمال تجديد ارايه صورت هاي مالي دارد.

کيم (kim, 2004) تأثير پديده تغيير حسابر س بر مديريت سود را در بازار کره مورد بررسی قرار دادند. در کره برای شرکت هايي که انتظار می رود انگيزه بالايی برای مديريت سود وجود داشته باشد حسابر سان مشخصی توسط مقامات قانونی انتخاب می شوند. بدین ترتيب از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰، ۱۵ تا ۱۷ درصد شرکت هاي پذيرفته شده در بورس کره مجبور به تغيير حسابر س خود شدند. تحقيقات آنها نشان می دهد که ميزان اقلام تعهدی اختياری برای شرکت هايي که ملزم به تغيير حسابر س شدند نسبت به ساير شرکت ها پايين تر است. از طرف ديگر، ميزان اقلام تعهدی اختياری برای شرکت هايي که مجبور به تعويض حسابر س می شوند نسبت به شرکت هايي که داوطلبانه حسابر س خود را تعويض کرده اند، پايين تر بود. يافته هاي آنها تأيیدی بر اين دیدگاه بود که تغيير حسابر س، کيفيت حسابر سي و در نهايت قابليت اتکاي گزارش گري مالي را بالا می برد.

چانگ (Chang, 2004) نیز به نتايج مشابهی دست يافت. او با بهره گيري از اقلام تعهدی اختياری تأثير دوره تصدی حسابر س را بر سود و کيفيت حسابر سي آزمون کرد. به اين ترتيب تعدادی از

شرکت های پذیرفته شده در بورس کره را در فاصله زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ انتخاب کرد. وی در این حال سال ۱۹۹۰ سالی که در آن تغییر حسابرِس الزامی شده بود از نمونه خود کنار گذاشت. نتایج نشان می دهد میزان اقلام تعهدی اختیاری بعد از تدوین قانون تغییر اجباری کاهش می یابد. به اعتقاد او ایجاد محدودیت روی مدت رابطه حسابرِس وصاحبکار می تواند منجر به انگیزه بیشتر حسابرسان در حفظ استقلال باشد. او با اتکا به یافته هایش اعتقاد داشت با کاهش دوره تصدی کیفیت حسابرسی بهبود می یابد.

چن (Chen, 2004) در بررسی رابطه دوره تصدی شریک ومؤسسه حسابرسی با کیفیت سود مشاهده کردند، قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری با افزایش دوره تصدی شریک کاهش و در نتیجه کیفیت سود بهبود می یابد. البته نتایج آزمون های اضافی نشان می دهد زمانی که چرخش شریک الزامی است رابطه معنی داری بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی و کیفیت سود وجود ندارد. به اعتقاد آنها اگر قانونی مبنی بر چرخش شرکای حسابرسی الزامی شود چرخش مؤسسات حسابرسی ضرورتی نخواهد داشت.

چن (Chen, 2003) در بررسی اثر بخشی چرخش شریک حسابرسی در ارتقای کیفیت حسابرسی دریافتند که تدوین چنین قانونی با آمیخته ای از اثرات مثبت ومنفی همراه است. آنها نیز با استفاده از مقادیر قدرمطلق و علامت دار اقلام تعهدی غیر عادی و اقلام تعهدی عادی سرمایه در گردش به عنوان معیارهایی برای کیفیت حسابرسی مشاهده کردند کیفیت حسابرسی شرکت هایی که در سال ۲۰۰۴ ملزم به تغییر شریک خود شدند نسبت به سایر شرکت ها بالاتر است. با این وجود از کیفیت حسابرسی در سال ۲۰۰۳ و تحت نظارت شرکای قبلی کمتر است. آنها با بهره گیری از ضریب واکنش سود به عنوان یک معیار برای برداشت سرمایه گذار از کیفیت حسابرسی دریافتند که چرخش شرکا، استقلال ظاهری و برداشت از کیفیت حسابرسی را بهبود می بخشد.

دیویس وهمکاران (Davis, 2000) در بررسی رابطه دوره تصدی و مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که یک رابطه مثبت ومعنادار بین دوره تصدی و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری وجود دارد. و نیز یک رابطه منفی معنادار بین دوره تصدی و قدرمطلق خطاهای پیش بینی تحلیل گران نیز موجود است.

عزیزخانی وهمکاران (Azizkhanini, 2007) با نمونه گیری از شرکت های استرالیایی در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ به بررسی این موضوع پرداختند که آیا دوره تصدی حسابرِس، تغییر مؤسسه حسابرِس و شریک حسابرسی می تواند به برداشت تحلیل گران از قابلیت اتکای گزارش گری مالی

تأثیر داشته باشد؟ آنها به منظور سنجش برداشت تحلیل گران از قابلیت اتکای گزارش گری مالی از معیار هزینه سرمایه مالکان استفاده کردند به اعتقاد آنها اجرای حسابرسی با کیفیت بالا با فراهم کردن یک تأیید مناسب از گزارشات مالی می تواند قابلیت اتکای آنها را افزایش دهد.

کری وسایمنت (Kerry and Saiment, 2006) به دنبال نگرانی که در سطح جهان در رابطه با کیفیت حسابرسی وجود داشت سعی در تأیید این امر داشتند که هرگونه الزام محدود کننده درباره دوره تصدی حسابرسان خواهد توانست کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. آنها با استفاده از اطلاعات موجود در بازار استرالیا این موضوع را تأیید کردند. آنها در بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و دوره تصدی شریک حسابرسی از سه معیار بهره بردند. تمایل حسابرسان در انتشار اظهار نظر تداوم فعالیت برای شرکت هایی که از لحاظ مالی در وضعیت مناسبی به سر نمی برند، با شاخص های اقلام تعهدی غیر عادی سرمایه در گردش و معیارهایی از مدیریت سود اندازه گیری شد. نتایج نشان می داد در دوره های تصدی طولانی شریک حسابرسی، حسابرسان تمایل کمتری برای اظهار نظر تداوم فعالیت دارند و نتایجی از مدیریت سود نیز یافتند. البته مدارکی مبنی بر اینکه دوره تصدی طولانی با اقلام تعهدی سرمایه در گردش رابطه دارد یافت نشد.

لون سن (Lyon Sen, 2007) با بررسی محیط حسابداری ایالت فلوریدا و مقایسه واحدهایی که حسابرسان خود را تغییر داده بودند و واحدهایی که رابطه طولانی مدت با حسابرسان خود داشتند به این نتیجه رسیدند واحدهایی که حسابرسان خود را تغییر داده اند. گزارشات با کیفیت بالاتری را دارا هستند.

نتایج تحقیقات لنوکس (Lennox, 1984) نشان می دهد تعویض حسابرسان، دقت و صحت گزارشات حسابرسان را کاهش می دهد. الیتز (Lethys, 1996) و گیروکس (Giroux, 1992) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی به طور منفی تحت تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابرسان است.

تحقیقات صورت گرفته در ایران

منابع اطلاعاتی موجود در رابطه با پژوهش های صورت گرفته در ایران حاکی از این است که تا تاریخ تهیه این پژوهش، تحقیقی در زمینه ارزیابی تأثیر دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت گزارش گری مالی انجام نشده است.

یحیی حساس یگانه، سلیمی و محمودی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی حسابرسی (اندازه حسابرس، تخصص صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرس) با اندازه صاحبکار و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. مطابق با یافته‌های پژوهش بین اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و این رابطه برای شرکت‌های کوچک قوی‌تر است، به عبارتی با افزایش دوره تصدی حسابرس، هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد و این کاهش برای شرکت‌های کوچک‌تر قوی‌تر است.

فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش با توجه به آنچه که در مبانی نظری پیرامون دوره تصدی حسابرس و ارتباط آن با کیفیت گزارش‌گری مالی مطرح شد، فرضیات تحقیق به شرح ذیل بیان می‌گردد:

فرضیه اصلی تحقیق: کیفیت گزارش‌گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

فرضیه فرعی تحقیق: کیفیت گزارش‌گری مالی در دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

روش تحقیق

روش تحقیق استقرایی - پس‌رویدادی است که برای جمع‌آوری داده‌ها از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که حداقل برای پنج دوره مالی متوالی توسط یک مؤسسه حسابرسی خاص مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند استفاده شده است. تحقیق حاضر با توجه به دسته‌بندی مختلف تحقیقات از نوع همبستگی است. در این تحقیق برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و همچنین معنی‌دار بودن مدل ارایه شده برای توضیح متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است و جهت مقایسه کیفیت گزارش‌گری مالی در دوره‌های مختلف تصدی، از میانگین رتبه به دست آمده مدل جونز اولیه استفاده شده است.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در تحقیق حاضر کیفیت گزارش‌گری مالی می‌باشد که با استفاده از مدل اولیه جونز در تحقیق حاضر سنجیده شده است.

متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر کیفیت گزارش گری مالی مورد بررسی قرار می گیرند عبارتند از:

وجوه نقد عملیاتی: به آن دسته از جریانهای نقدی اطلاق می شود که از فعالیتهای اصلی مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری ناشی می شود.

مجموع دارایی ها در سال قبل: دارایی عبارت است از حقوق نسبت به منافع اقتصادی آتی یا سایر راه های دستیابی مشروع به آن منافع که در نتیجه معاملات و یا سایر رویدادها به کنترل واحد تجاری در آمده است.

مجموع دارایی ها در سال قبل از آن جهت بر کیفیت گزارش گری مالی اثر گذار است که آنالیز نوسانات آن نسبت به سال قبل می تواند اطلاعاتی در باره چگونگی تصمیمات مدیریت در خصوص نحوه مدیریت دارایی ها در جهت اهداف سود آوری شرکت ارایه نماید. مدیریت دارایی ها به طور مستقیم از طریق تحصیل یا فروش دارایی های مولد درآمد عملیاتی شرکت و به صورت غیر مستقیم از طریق سود و زیان ناشی از تحصیل یا فروش آنها (منعکس در سایر درآمدهای غیر عملیاتی) بر سود آوری واحد تجاری تأثیر گذار می باشد.

اندازه شرکت (لگاریتم دارایی ها): در پژوهش حاضر اندازه شرکت، لگاریتم دارایی ها تعریف شده است.

نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی ها: این نسبت نشان می دهد که در مقابل هر یک ریال دارایی چند ریال بدهی وجود دارد. به عبارت دیگر چند درصد از دارایی های شرکت را بدهی ها (تعهد انتقال منافع اقتصادی به خارج از واحد تجاری) تشکیل می دهد.

مدل ورشکستگی آلتمن: در مدل آلتمن برای پیش بینی وقوع ورشکستگی، از روش تجزیه و تحلیل نسبت ها استفاده شده است. این مدل از پنج نسبت مالی که به روش تجزیه و تحلیل ممیزی، ضریب دار شده اند و به صورت یک تابع که نسبت های مالی به عنوان متغیرهای مستقل آن هستند، به اجرا درآمده است. یکی از معیارهای که انتظار می رود تأثیر قابل ملاحظه ای بر کیفیت گزارش گری مالی داشته باشد، سلامت مالی شرکت می باشد. با توجه به تحقیقات انجام شده یکی از بهترین معیارهای ارزیابی سلامت مالی شرکت مدل ورشکستگی آلتمن می باشد.

تعداد سالهای پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار: این باور عمومی وجود دارد که شرکت هایی که سابقه بیشتری در بورس اوراق بهادار دارند عملکرد نسبتاً مناسب تری داشته و یا دست کم با توجه

به وجود اطلاعات تاریخی بیشتر در خصوص این شرکت ها عملکرد آتی آنان را با توجه به روند اطلاعات در گذشته بهتر می توان ارزیابی کرد .

دوره تصدی مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی مؤسسه حسابرسی تعداد سالهایی است که شرکت حسابرس خود را تغییر نداده است. با توجه به قانون تعویض اجباری مؤسسات حسابرسی که بیش از 4 سال متوالی وظیفه حسابرسی صورت های مالی یک صاحبکار را برعهده دارند وبا استفاده از تحقیقات انجام شده در گذشته تعداد سالهای تصدی مؤسسه حسابرسی به شرح ذیل به سه دوره تصدی تفکیک گردیده است

دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، یک تا دو سال تعریف شده است.

دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، سه تا چهار سال تعریف شده است.

دوره تصدی بلند مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی بلند مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، بیش از چهار سال تعریف شده است.

مدل تحقیق

اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی در تحقیق حاضر در قالب یک مدل مفهومی به شرح ذیل بیان می گردد:

$$UA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OCF / A_{i,t-1} + \beta_2 LA_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 FC_{i,t} + \beta_5 AGE_{i,t} + \beta_6 SHORT_{i,t} + \beta_7 LONG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که:

UA = قدر مطلق اقلام تعهدی غیر منتظره (اختیاری) برای شرکت i در سال t است.

قدر مطلق اقلام تعهدی غیر منتظره (اختیاری) که در پژوهش حاضر به عنوان معیار اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی، تعریف می گردد؛ با استفاده از مدل اولیه جونز به شرح ذیل محاسبه می شود:

$$UA_{i,t} = T A_{i,t} / A_{i,t-1} - \{ \phi_{1jt} (1 / A_{i,t-1}) + \phi_{2jt} [\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}] / A_{i,t-1} \} + \phi_{3jt} (PPE_{it} / A_{i,t-1}) \}$$

TA=کل اقلام تعهدی

کل اقلام تعهدی بر پایه مدل جونز، تفاوت سود خالص قبل از اقلام غير مترقبه و وجوه نقد حاصل از عمليات تعريف می گردد، که به قرار ذيل محاسبه می شود:

$$TA = E - OCF$$

$A =$ مجموع دارایی ها در سال قبل،

$AR =$ حسابهای دریافتنی،

$REV =$ کل درآمد فروش

$PPE =$ نسبت جمع دارایی های غير جاری به دارایی ها در اول دوره

سایر متغیرهای مورد اشاره در مدل اصلی عبارتند از:

$OCF =$ وجوه نقد عملیاتی برای شرکت i در سال t

$A_{it-1} =$ مجموع دارایی ها برای شرکت i در سال $t-1$

$LA =$ لگاریتم دارایی ها برای شرکت i در سال t

$LEV =$ نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی ها برای شرکت i در سال t

$FC =$ پاسخ مدل ورشکستگی آلتمن برای شرکت i در سال t

$AGE =$ تعداد سالهای پذیرش شرکت i در بورس اوراق بهادار در سال t

$SHORT$ otherwiser = عدد یک در صورتی که دوره تصدی مؤسسه حسابرسي کوتاه مدت می باشد و در غير این صورت صفر.

$LONG =$ عدد یک در صورتی که دوره تصدی مؤسسه حسابرسي بلند مدت می باشد و در غير این صورت صفر.

طریقه محاسبه کیفیت گزارش گري مالي در مدل فوق بدین گونه است :

اطلاعات مربوط به هر شرکت بر اساس متغیرهای مدل تحقیق که در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ حداقل به مدت پنج دوره مالی متوالی مورد تصدی یک مؤسسه حسابرسي مشخص قرار گرفته اند، در پنل دیتا قرار گرفته و در غالب محاسبه آماری مدل رگرسیونی ارایه شده در تحقیق معنی دار بودن هریک از متغیرها از طریق آزمون رگرسیون چندگانه سنجیده شده است. براین اساس کیفیت گزارش گري مالي در دوره های یک تا دو ساله (دوره تصدی کوتاه مدت) سه تا چهار ساله (دوره تصدی میان مدت) و بیش از چهار سال (دوره تصدی بلندمدت) براساس فرضیات تحقیق و با استفاده

از آزمون های دانکن و من ویتنی در دوره مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه خواهد شد. بدین ترتیب به این سوال کلی پاسخ داده خواهد شد که شرکت ها و مؤسسات حسابرسی در کدامیک از دوره های تصدی کیفیت گزارش گری مالی بهتری را ارایه داده اند.

لازم به توضیح است که مدل ورشکستگی آلتمن به طریق ذیل محاسبه می گردد.

FC is the Altman-Z' computed as. $/.717 * (\text{working capital} / \text{total assets}) + . /847 * (\text{retained earnings} / \text{total assets}) + 3/1 * (\text{earnings before interest and taxes} / \text{total assets}) + . /4 * (\text{book value of equity} / \text{book value of total debt}) + . /988 * (\text{sales} / \text{total assets})$

$3/1 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سود انباشته}) + . /847 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سرمایه در گردش}) + . /771 * (\text{محاسبه مدل آلتمن} / \text{ارزش دفتری بدهیها} / \text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}) + . /4 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سود قبل از بهره و مالیات}) + . /988 * (\text{کل دارایی ها} / \text{فروش})$

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت هایی در جامعه آماری قرار گرفته اند که شرایط ذیل در مورد آنها صدق می کند:

۱. طی دوره زمانی تحقیق حداقل به مدت پنج دوره متوالی مورد تصدی یک مؤسسه حسابرسی مشخص قرار گرفته اند.
۲. بانک ها و شرکت های سرمایه گذاری به واسطه فعالیت خاص کنار گذاشته شده اند.
۳. شرکت هایی که به دلایل ورشکستگی طی دوره مورد بررسی از تابلو بورس حذف شده اند با توجه به ماهیت تحقیق حذف گردیده اند.
۴. اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد.

با توجه به مجموع شرایط فوق ۱۰۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ انتخاب شدند. کلیه اطلاعات مورد نیاز از طریق سایت های بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین و همچنین گزارشات حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت ها استخراج گردیده است.

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی

متوسط دوره تصدی حسابرسان در جامعه تحقیق ۷/۵ سال می باشد با توجه به بازه زمانی تحقیق حداقل دوره تصدی تحقیق ۵ سال و حداکثر زمان دوره تصدی ۱۰ سال در نظر گرفته شده است.

جدول شماره (۱): ترکیب گروه های تصدی

ردیف	گروه	دوره تصدی حسابرسي	مشاهدات	درصد
۱	یک تا دو سال	کوتاه مدت	۲۰۷	۲۷٪
۲	سه تا چهار سال	میان مدت	۲۰۴	۲۷٪
۳	بیش از چهار سال	بلندمدت	۳۶۰	۴۶٪
جمع			۷۷۱	۱۰۰

جدول شماره (۲): تعداد شرکت های جامعه مورد مطالعه به تفکیک طول دوره

ردیف	طول دوره تصدی	تصدی مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمي	تعداد شرکت	درصد
۱	۱۰	۷	۹	۸٪
۲	۹	۸	۱۴	۱۳٪
۳	۸	۲۶	۳۰	۳۰٪
۴	۷	۱۶	۲۱	۲۰٪
۵	۶	۱۵	۱۷	۱۷٪
۶	۵	۱۰	۱۲	۱۲٪
جمع		۶۷	۱۰۳	۱۰۰٪

ب) استخراج مدل برآوردی تحقیق

برای برآورد مدل مناسب از روش گام به گام استفاده شده است (در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب معناداری وارد مدل میشوند تا هنگامی که تمام متغیرهای معنادار وارد مدل گردند). با استفاده از این مدل آزمون معنی داری در ۵ مرحله انجام شد که در نتیجه در مدل نهایی ۵ متغیر از ۸ متغیر در سطح اطمینان درصد ۹۵ معنادار شده و مدل برآوردی به شرح ذیل است

$$UA_{it} = \beta_0 - 0.575OCF_{it-1} + 0.181LA_{it} + 0.212FC_{it} + 0.27SHORT_{it} - 0.239TYPE_{it}$$

ج) مقایسه میانگین رتبه متغیر مستقل در دوره های مختلف تصدی از طریق آزمونهای ناپارامتریک و پارامتریک جهت پاسخ به فرضیات تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون نرمالیتی متغیر وابسته متغیر UA از توزیع نرمالی پیروی نمی کند در نتیجه به منظور مقایسه میانگین رتبه در دوره های مختلف تصدی بایستی از آزمونهای ناپارامتریک استفاده کرد. از سوی دیگر لگاریتم UA دارای توزیع نرمال است بنابراین جهت مقایسه میانگین رتبه باید از آزمون های پارامتریک استفاده کرد.

در این بخش با استفاده از دو تحلیل ارایه شده در فوق آزمونهای پارامتریک و ناپارامتریک به ترتیب جهت متغیر های لگاریتم UA به انجام رسیده که نتایج آزمون ها یکدیگر را پشتیبانی می کنند

ج-۱) تحلیل پارامتریک مقایسه دو به دو سه سطح تصدی (آزمون دانکن)

Subset for alpha =/1		N	دوره تصدی
1	2		
	-۲.۷۲۵۱	۲۰۴	میان مدت
	-۲.۷۰۵۳	۳۶۰	بلندمدت
-۲.۴۹۶۹		۲۰۷	کوتاه مدت
۱	۰.۸۶۲		sig
Means for groups in homogeneous subsets are displayed			
a. Uses Harmonic Mean Sample Size =232/142			
b. The group sizes are unequal. The harmonic mean of the			
group size is used . Type I error levels are not quaranteed			

مقادیر میانگین $LN|UA|$ برای سطوح میان مدت و بلند مدت تفاوت معناداری با هم نداشته اما این دو دوره تصدی مقدار میانگین کمتری نسبت به شرکتها با دوره تصدی کوتاه مدت دارند به عبارت دیگر شرکتها با دوره تصدی کوتاه مدت مقدار میانگین $LN|UA|$ بیشتری نسبت به شرکتها با دوره تصدی میان مدت و بلند مدت دارند.

ج-۲) تحلیل پارامتریک مقایسه دو به دو بسته به نوع مؤسسه حسابرسی (آزمون دانکن)

جهت مقایسه میانگین ها ابتدا آزمون همسانی واریانس ها (آزمون لون) انجام شده و خلاصه نتایج آزمون های فوق به شرح ذیل می باشد:

independent samples test					
t-test for Equality of Means			Levenes Test for		شرایط
sig (2-tailed)	df	t	sig	F	
۰.۳۴۸	۲۰۵	-۰.۹۴	۰.۰۱۳	۶.۲۳۲	Equal Variances assumed
۰.۳۰۵	۱۸۸	-۱.۰۲۸			Equal Variances not assumed
۰.۰۰۶	۲۰۲	۲.۷۷۵	۰.۰۰۲	۱۰.۱۱۴	Equal Variances assumed
۰.۰۱۳	۱۱۰	۲.۵۲۴			Equal Variances not assumed
۰.۰۲۸	۳۱۵	۲.۱۸۵	۰.۰۴۸	۰.۲۷۳	Equal Variances assumed
۰.۰۲۸	۲۶۹	۲.۱۸۵			Equal Variances not assumed

ج-۳) مقایسه دو به دو رتبه در دو سطح تصدی کوتاه مدت و بلند مدت با استفاده از تحلیل نا پارامتریک (آزمون من ویتنی)

RANKS			
sum of rank	mean rank	N	دوره تصدی
۵۸۵۹۲	۲۸۳.۰۵	۲۰۷	کوتاه مدت
۸۰۰۱۱	۲۴۸.۸۱	۳۶۰	بلند مدت
		۵۶۷	جمع

Test statics (a)	
	U
Mann-Whitney U	۲۸۹۶۵
Wilcoxon W	۸۰۰۱۱
Z	-۲.۳۷۵
Asymp.sig(۲-tailed)	۰.۰۱۶

a. Grouping Variable (دوره تصدی)

مقدار احتمال معناداری در دوره بلند مدت و کوتاه مدت برابر با ۰/۰۱۶ است یعنی تفاوت بین شرکت های کوتاه مدت و بلند مدت در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود داشته و مقدار میانگین در دوره تصدی کوتاه مدت بیشتر است.

د-۴) مقایسه دو به دو رتبه در دو سطح تصدی میان مدت و بلند مدت (آزمون من ویتنی):

RANKS			
sum of rank	mean rank	N	دوره تصدی
۵۳۴۷۶	۲۶۲.۱۴	۲۰۴	میان مدت
۸۳۵۴۸	۲۵۸.۹۱	۳۶۰	بلند مدت
		۵۶۴	جمع
Test statistics (a)			
	U		
Mann-Whitney U	۳۲۵۰۹		
Wilcoxon W	۸۳۳۵۴۸		
Z	-.۰۱۵		
Asymp.sig (۲-tailed)	.۰۹۸۳		
a. Grouping Variable (دوره تصدی)			

مقدار احتمال معناداری در دوره بلند مدت و میان مدت برابر با 0/983 است یعنی تفاوت بین شرکت‌های میان مدت و بلند مدت در سطح اطمینان 95 درصد وجود ندارد.

تفسیر فرضیات تحقیق بر اساس نتایج آماری

فرضیه اصلی تحقیق: کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

یافته های حاصل از آزمون های دانکن و من ویتنی (که در تأیید یکدیگر انجام شده اند) بیانگر تأیید فرضیه اصلی تحقیق است.

نتایج تحقیق حاکی از کیفیت بیشتر گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال) مؤسسه حسابرسی نسبت به دوره تصدی بلند مدت (بیش از چهار سال) می باشد. معمولاً در سال های اولیه حسابرسی، حسابرس سعی می کند شناخت کامل نسبت به محیط مالی و عملیاتی شرکت پیدا کند و پرونده های دایمی قابل اتکایی برای حسابرسی سنوات آتی نیز تهیه نماید. معمولاً فرآیند انجام حسابرسی های نخستین طولانی تر و ساعات کار برنامه ریزی شده برای انجام حسابرسی های نخستین نیز بیشتر است. شرکا و مدیران مؤسسه سعی می کنند تمامی ریسک های با اهمیت صاحبکار را مورد شناسایی قرار دهند و در انجام عملیات حسابرسی بسیار محتاطانه رفتار می کنند. به طور کلی و به طور ناخودآگاه پس از سال های اولیه انجام حسابرسی، حسابرس پیش زمینه ذهنی و به

مرور زمان اطمینان خاطر نسبي نسبت به فعاليت هاي مالي و عملياتي صاحبکار پيدا می کند، درنتيجه ممکن است او تلاش هاي جستجو گرايانه خود را کاهش دهد و اين امر منجر به عدم کشف اشتباهات و تقلب صاحبکار شود.

فرضيه فرعي تحقيق (کيفيت گزارش گري مالي در دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسي بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است)

يافته هاي حاصل از آزمون هاي دانکن و من ويتني (که در تأييد يکديگر انجام شده اند) بيانگر عدم وجود ارتباط معنی دار بين دو دوره مزبور بوده که در نتيجه فرضيه فوق رد می شود.

پيشنهادات بر مبنای فرضيات تحقيق

۱) با توجه به نتايج پژوهش حاضر و بر اساس فرضيه اصلي تحقيق، کيفيت گزارش گري مالي در دوره تصدی کوتاه مدت حسابرسي (يک تا دو سال) بيش از دوره تصدی بلند مدت (بيش از چهار سال) می باشد. بنابر اين سياست تغيير مؤسسه حسابرسي پس از چهار سال تصدی متوالی که تحت عنوان دستورالعمل مؤسسات حسابرسي معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاريخ ۱۳۸۶/۵/۸ به تصويب شورای عالی بورس رسيد و از سال ۱۳۹۰ لازم الاجرا گرديد به طور کلی موثر ارزيايی می شود. پژوهش حاضر خلا فقدان تحقيقات دانشگاهی مبتنی بر مدل اندازه گيري در خصوص سياست مذکور را برطرف نموده و آن را از پشتوانه تئوريک برخوردار می سازد. با اين وجود با توجه به نتايج به دست آمده از فرضيه دوم ارتباط معنی داری بين کيفيت گزارش گري مالي در دوره تصدی میان مدت (سه تا چهار سال) و بلند مدت (بيش از چهار سال) وجود ندارد. هرچند نتايج تحقيق مويد کيفيت بيشتر گزارش گري مالي در دوره تصدی کوتاه مدت است اما طول دوره چهارساله مقرر در دستورالعمل را مطلوب ارزيايی نمی کند. در اين راستا پيشنهاد می شود سازمان بورس با انجام تحقيقات نظری، بازه زمانی چهار ساله برای تغيير مؤسسه حسابرسي را تجديد نظر و کاهش در کيفيت گزارش گري مالي را که متناسب با افزايش طول دوره تصدی مؤسسه حسابرسي محقق می گردد را با سياست هايی همچون چرخش اجباری شريک و مسئول کار مؤسسات حسابرسي جبران نماید. حساس يگانه، محمودی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی موضوع رابطه دوره تصدی حسابرسي با هزینه حقوق صاحبان سهام به اين نتيجه رسيدند که با افزايش دوره تصدی مؤسسات حسابرسي در ايران، هزینه حقوق صاحبان سهام صاحبکار کاهش می يابد. بنابر اين با توجه به اينکه ضروری است که با توجه به عدم تناسب

۲) با توجه به اینکه چرخش اجباری حسابرس پس از ۴ سال برای صورت های مالی منتهی به ۱۳۹۱ و بعد از آن لازم اجراست پیشنهاد می شود در سنوات پس از اجرای این قانون، مطالعه تطبیقی میان کیفیت گزارش گری مالی شرکت های بورسی برای بازه زمانی قبل و بعد از اجرای آن انجام شود تا کارایی این مساله پس از اجرا نیز بررسی شود.

۳) با توجه به اینکه در دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان، سازمان حسابرسی و مؤسسه حسابرسی مفید راهبر از شمولیت تغییر مؤسسه حسابرسی پس از ۴ سال استثنا شده اند، پیشنهاد می شود در تحقیق مجزایی به مقایسه کیفیت گزارش گری مالی میان مؤسسات خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی و مؤسسات فوق الذکر پرداخته شود.

نتیجه گیری

در این پژوهش تأثیر دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال)، میان مدت (بین سه تا چهار سال) و بلندمدت (بیش از چهار سال) مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی مورد بررسی قرار گرفت. وجود تفاوت معنادار در کیفیت گزارشگری مالی در دوره های تصدی کوتاه مدت و بلند مدت مؤسسات حسابرسی، بیانگر آن بود که کیفیت گزارش گری مالی در دوره های تصدی کوتاه مدت بیشتر است. با توجه به نتایج پژوهش سیاست تغییر مؤسسه حسابرسی پس از چهار سال تصدی متوالی که تحت عنوان دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۸ به تصویب شورای عالی بورس رسید و از سال ۱۳۹۰ لازم الاجرا گردید به طور کلی موثر ارزیابی می شود. از طرفی طول دوره چهارساله مقرر در دستورالعمل مطلوب ارزیابی نمی شود و باید سازمان بورس با انجام تحقیقات نظری، بازه زمانی چهار ساله برای تغییر مؤسسه حسابرسی را تجدید نظر و کاهش در کیفیت گزارش گری مالی را که متناسب با افزایش طول دوره تصدی مؤسسه حسابرسی محقق می گردد را با سیاست هایی همچون چرخش اجباری شریک و مسئول کار مؤسسات حسابرسی جبران نماید.

منابع و مآخذ

۱. بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۸). "بیانیه مفاهیم استقلال-چارچوب نظری استقلال حسابرسی/هیئت استانداردهای استقلال"، مجله حسابر، ۷۸-۷۲.
۲. بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه تصدی حسابرسان و گزارش گری سودهای محافظه کارانه در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۷.
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۶). کیفیت حسابرسی: مروری بر ادبیات و تحقیقات، مجله بورس، شماره ۶۶.
۴. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی". مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۶۱.
۵. حساس یگانه، یحیی، سلیمی، محمد جواد، محمودی، مهدی. (۱۳۹۴). "رابطه بین ویژگی های کیفی حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام (با توجه به اندازه صاحبکار)"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۳۱ سال ۸، ص ۱۱۳ تا ۱۴۰.
۶. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. خستویی، فرهنگ. (۱۳۸۵). چرخش حسابرسان در گفتگو با کارشناسان بورس مطرح شد، روزنامه سرمایه، شماره ۴۳۷.
۸. رجبی، روح الله. (۱۳۸۵). چالش های تعویض حسابر، حسابداری رسمی، شماره ۸، ۹، ۶۲-۵۳.
۹. رسول زاده، مهدی. (۱۳۸۱). "مدل های پیش بینی ورشکستگی آلتمن"، حسابداری، شماره ۱۴۸.
۱۰. مدرس، احمد، حصارزاده، رضا. (۱۳۸۸). "کیفیت گزارش گری مالی و کارایی سرمایه گذاری"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ۱ شماره ۲.
۱۱. والاس، واندا ای. ترجمه امیر اصلانی نقش اقتصادی حسابرسی در بازار های آزاد و بازار های تحت نظارت. چاپ سوم. سازمان حسابرسی ۱۳۸۱.

12. Arrunda B. and Paz-Areas c. (1997). "Mandatory rotation of company auditors: A critical examination". International Review of Law and Economics, Vol.17, Issue 2, pp.205-224
13. Bates, H.L. Ingram, R.W. and Reckers, M.J. (2002). "Auditor client affiliation: the impact on <materiality>" (a study of the effect of auditor rotation on materiality judgment). Journal of Accountancy, pp.60-63
14. Chen, C.Y., C. J. Lin., and Y.C. Lin (2004). "Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals, does long auditor tenure impair earning quality?" Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
15. Choi, J.H., and R Doogar. (2005). "Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during 1996-2001" Working paper,

- Hong Kong University of Science and Technology, University of Illinois at Urbana-Champaign.
16. Copley P. and Doucet M.S. (1993) "Auditor Tenure, Fixed Fee contracts, and the Supply of Substandard Single Audits". *Public Budgeting & Finance*, Vol.13, Issue 3, pp-23-36
 17. Dopuch N., King R. and Schwartz R. (2001). "An experimental investigation of retention and rotation Requirements". *Journal of Accounting Research*, Vol. 39, Issue 1, pp. 93-117
 18. Elitzur R. and Falk H. (1996). "Planned Audit Quality". *Journal of Accounting and Public policy*, Vol.15, pp. 247-269.
 19. Geiger M.A. and Raghunandan K. (2002). "Auditor tenure and audit reporting failures". *Auditing: A journal of Practice & Theory*, Vol. 21, Issue 1, pp. 67-78.
 20. Gietzman M. B. and Sen P.K. (2002). "Improving auditor independence through selected mandatory rotation". *International Journal of Auditing*, Vol. 6, pp.183-210.
 21. Gul F. A. Jaggi B. and Krishnan G. (2007). "Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Non-Audit Fees". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 26, Issue 2, pp.117-142.
 22. Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (2005). "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism". Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales
 23. Hussey R. and Lan G. (2001). "An examination of auditor independence issues from the prospective of U.K. Finance Director". *Journal of Business Ethics*, Vol. 32, Issue 2, pp. 169-178.
 24. Johnson V.E. , khurana I.K. and Reynolds J.K 2002." Audit-firm tenure and quality of financial Reports". *Contemporary Accounting Research*, Vol.19, Issue 4, pp.637-660
 25. Nagy A. (2005). "Mandatory audit firm turnover, financial reporting quality, and client bargaining power: the case of Arthur Andersen". *Accounting Horizons*, Vol. 19, Issue 2, pp. 51-68.
 26. Ruiz-Barbadillo E. and Gomez-Aguilar N.2002. "Does Auditor Tenure Improve Audit Quality? Mandatory auditor Rotation Versus Long Terms Auditing. An empirical analysis ". working paper. University of Cadiz Spain.
 27. Sinnett, W. (2004). "Are there good reasons for auditor rotation?" *Financial Executive* 20 (7): 29-32.
 28. Walker P.L. 2001. Lewis B.L. and Casterella J.R.," Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence". *Accounting Enquiries*, Vol.10, Issue 2